

بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با بهره‌گیری از سیره امام رضا (ع)

سید صدرالدین شریعتی^۱ / فاطمه صحرائی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۷

چکیده

روابط عاطفی میان والدین در خانواده که مهم‌ترین نهاد تربیتی جامعه و نخستین آموزشگاه فرد شمرده می‌شود، اثرگذارترین عامل حرکت مطلوب فرزندان برای انتخاب سبک و شیوه زندگی اسلامی است. این پژوهش به بررسی تعدادی از نقش‌هایی که والدین می‌توانند در تربیت عاطفی فرزند خود داشته باشند می‌پردازد. روش انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی است. به منظور گردآوری داده‌های لازم برای دستیابی به اهداف پژوهش، متون مرتبط با موضوع پژوهش، گردآوری شده و با شیوه کیفی به تحلیل آنها پرداخته شده است. بعد از استخراج متون مرتبط جایگاه والدین در این تربیت و ضرورت تربیت عاطفی کودک توضیح داده شده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است کارهایی که والدین در تربیت عاطفی فرزند می‌توانند انجام دهند که در آموزه‌های دینی و بخصوص سیره امام رضا (ع) بر آنها تأکید شده است از جمله: همسویی بینش‌ها، اندیشه از خود دانستن فرزند، تکریم و احترام متقابل، حسن رفتار، همدلی، خوش‌رویی، محبت، هدیه دادن و الگوی شایسته بودن.

کلیدواژه‌ها: تربیت، تربیت عاطفی، خانواده، نقش والدین، سیره امام رضا (ع).

۱- دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبائی. shariati@atu.ac.ir

۲- *دانش آموخته کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبائی. sahraii.fateme@yahoo.com

مقدمه

در میان دوره‌های مختلف زندگی، دوران کودکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین دوره‌های رشدی محسوب می‌شود. در این دوره پایه‌های اساسی شخصیت کودک در تعامل با محیط شکل می‌گیرد و رفتارهای بعدی او در ارتباط با خانواده، جامعه و گروه‌های بزرگ‌تر را شکل می‌دهد (اعزازی، ۱۳۸۹). می‌توان گفت ازدواج مهم‌ترین قرار داد زندگی هر فردی است. انسان‌ها به دلایل متفاوتی ازدواج می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند، عواملی مثل عشق، امنیت اقتصادی، امنیت عاطفی، احساس آرامش از عوامل ازدواج هستند. به‌رحال به هر دلیلی بعد از ازدواج آنچه اهمیت دارد به وجود آمدن نهادی است به نام خانواده. خانواده به‌عنوان اولین کانونی است که فرد در آن قرار می‌گیرد و اولین تأثیراتی که فرد دریافت می‌کند از محیط خانواده است (اسلام‌زاده، اسماعیلی و کاظمیان، ۱۳۹۶). بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده و منابع اسلامی می‌توان گفت خانواده و به‌ویژه والدین به‌عنوان مهم‌ترین عنصر مؤثر در شکل‌دهی به شخصیت و تربیت کودک مطرح هستند که با اتخاذ شیوه‌های مختلف تربیتی می‌توانند تأثیرات متفاوتی بر شاکله‌ی شخصیتی کودک برجای گذارند. لذا درحالی‌که تربیت در پژوهش‌های آموزشی و تربیتی مکاتب و اندیشه صاحب‌نظران مختلف به انواع جسمانی، عاطفی، عقلانی، اخلاقی، اجتماعی تقسیم و گاهی حتی به فرعیات آن نیز اشاره شده، دور از انصاف است که جهت‌گیری تربیتی کامل اسلام به ابعاد مختلف انسانی، محدود و کلی بیان شود. بر پایه‌ی تعالیم اسلامی نیز تربیت صحیح فرزند از مهم‌ترین مسئولیت‌های پدران و مادران است که لازم است کاملاً به آن توجه کرده و از افراط و تفریط بپرهیزند و بدانند که افراط و تفریط مسئولیت الهی و اخروی دارد (بهشتی، ۱۳۹۰). در این پژوهش ضمن اذعان به اینکه دریافت عمق مؤلفه‌های تربیتی مانند هر موضوع دیگر امکان‌پذیر نیست، تلاش می‌شود به قلمروی تربیت عاطفی به‌عنوان یکی از این قلمروها اشاره شود که در تعلیم تربیت از جایگاه خاصی برخوردار است. یکی از مباحث بین‌رشته‌ای و قابل تأمل که به‌عنوان یک بعد از ابعاد انسان در موضوعات تربیتی موردبحث قرار گرفته، عاطفه و نگاه عاطفی به تربیت است. عواطف عاملی تأثیرگذار در بقای زندگی انسان و عامل بسیاری از رفتارها و اندیشه‌ها و تصمیمات است، تربیت عاطفی به این دلیل به‌عنوان مسئله‌ای مطرح است که نقطه عطف تربیتی سایر ابعاد وجودی انسان از جمله جنبه عقلانی، اجتماعی و معنوی است و سلامت روان انسان به سلامت عاطفی او

بستگی دارد (ضرابی، ۱۳۸۸). سلامت روان از جمله مفاهیمی است که تعاریف متعددی از آن ارائه شده است و سلامت روان مفهومی است که در ساده‌ترین تعریفش به معنای سالم بودن و دور از آفت بودن بدن، اندیشه و روح است (میرزایی، نجارپوریان، نعیمی و سماوی، ۱۳۹۷).

بعد عاطفی می‌تواند به حفظ تعادل بین همه ابعاد بینجامد و این موضوع در نظام‌های تعلیم و تربیتی کمتر ارائه شده و این خود سبب چالش‌هایی در حوزه تعلیم و تربیت شده است. با دقت نظر در منابع اسلامی موجود، می‌توان گفت این منابع با اتکاء به وحی الهی، حاوی دقایق تربیتی‌ای هستند که امروزه علوم جدید سعی در کشف آن‌ها دارند (رستمی‌نسب، ۱۳۸۸). یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین این منابع، سیره‌ی تربیتی امام رضا (ع) است که با اتصال به خزانه‌ی علم الهی می‌تواند در ارائه‌ی اصول تربیتی صحیح راهگشا باشد. بر این اساس و با پذیرش دین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین روش زندگی، به نظر می‌رسد ارائه‌ی اصول جامع و مانعی در زمینه‌ی تربیت عاطفی کودک بدون بررسی سیره‌ی تربیتی پیشوایان ما میسر نخواهد بود چراکه به فرموده‌ی امام رضا (ع)، تمام نیازمندی‌های فرزندان آدم و جمیع علوم مختلف بشری نزد امام معصوم است (عطاردی، ۱۳۹۷ ق). جمع‌بندی موارد مذکور با در نظر داشتن ضرورت بومی‌سازی علوم انسانی، استخراج شیوه‌ی تربیت عاطفی کودک بر اساس سیره‌ی امام رضا (ع) را ضروری می‌سازد تا بر اساس آن بتوان از مؤثرترین و کارآمدترین روش‌های مبتنی بر فرهنگ ایرانی - اسلامی در تربیت کودک استفاده کرد. به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت سیستمی ارتباطات انسان و جامعه، استفاده از این شیوه نه تنها در بهبود روش‌های تربیتی کودک، کارآمد خواهد بود بلکه تبعات آن، خانواده و جامعه را نیز به صورت مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهد و با توجه به اینکه در جهان کنونی، زندگی اخلاقی و عاطفی بشر بر اثر تزلزل نظام‌های ارزشی و انحلال مبانی فطری کانون تهدید قرار گرفته است و جامعه بشری با بحران‌ها و ستم‌های گوناگون اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو شده است (یوسفیان، ۱۳۸۶)، امام رضا (ع) در سن بالا صاحب فرزند شدند و امام جواد (ع) تنها فرزند آن امام همام هستند؛ اما در مورد تربیت صحیح فرزند به نکات ارزشمندی توصیه فرموده‌اند و ما می‌بینیم با اینکه آن حضرت مجبور به ترک مدینه و سفر به خراسان شدند بازهم از کانون خانواده و تربیت صحیح فرزند خویش غافل نبودند و اهمیت بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی فرزندان

که هدف اصلی این تحقیق است، مضاعف می‌شود. هدف اصلی ما در این پژوهش بررسی نقش والدین در تربیت کودک با توجه به سیره امام رضا (ع) است؛ که به صورت جزئی به تبیین مؤلفه‌های ضرورت تربیت عاطفی و جایگاه والدین در این تربیت دنبال می‌شود و انتظار می‌رود بتوانیم در پایان این پژوهش به این پرسش که نقش و جایگاه والدین در تربیت عاطفی کودک را با بهره‌گیری از سیره امام رضا (ع) چیست؟ پاسخ دهیم.

ضرورت و اهمیت این مسئله از دو جهت قابل تبیین است: از یک سو منابع اسلامی به‌عنوان پشتوانه فکری و منبع اصلی استخراج مفاهیم کلیدی تعلیم و تربیت اسلامی، یکی از منابع اصلی حوزه تعلیم و تربیت اسلامی به شمار می‌آید؛ لذا برای آینده نظام آموزشی و تربیتی جامعه اسلامی الزامی است (احسانی، ۱۳۸۷). بر اساس ضرورت دوم تربیت بدون توجه به انسان‌شناسی کامل ناقص است؛ زیرا همه اجزای هر نظام تربیتی اعم از اهداف و اصول و روش به گونه‌ای ناظر به وضع انسان است و اینکه چگونه موجودی و از چه وضعیتی برخوردار است (باقری، ۱۳۷۴)؛ بنابراین با توجه به اینکه انسان چندبعدی است که همه ابعاد آن باهم در تعامل است و عواطف به‌عنوان یکی از ابعاد مهم آدمی نقش مهمی در زندگی ایفا می‌کند، اهتمام به بررسی اهمیت این بعد از شخصیت انسان و چگونگی پرورش آن و به‌عبارتی دیگر تربیت عاطفی ضروری است که والدین نقش اساسی و کلیدی در این تربیت ایفا می‌کنند تربیتی به‌منظور شکوفاسازی، هدایت و کنترل عواطف و احساسات و بهره‌گیری به‌موقع از آن‌ها در جهت مطلوب یعنی خیر و سعادت انسان. در بررسی پیشینه، پژوهشی که به‌طور کامل با موضوع پژوهش حاضر مرتبط باشد، یافت نشد. در ادامه برخی پژوهش‌های که تا اندازه‌ای با موضوع تحقیق مرتبط بودند، مرور می‌شود. بررسی‌های انجام شده از زاویه دید روانشناسان (ایزنبرگ و لوسویا، ۱۹۹۷) و جامعه‌شناسان (بکر و اپستین، ۱۹۹۳ هندرسون و برلا، ۱۹۹۴، وینست و تام، ۲۰۰۰) و روانشناسان اجتماعی (براون و فرانسیس، ۱۹۹۳) حاکی از آن است که خانواده نخستین محیطی است که انسان ر تحت تأثیر فضا و روابط و مناسبات خود قرار می‌دهد. همه چیز در این محیط به‌ویژه عوامل انسانی و به‌ویژه والدین بسیار اثرگذار است و اثرگذاری فوق‌العاده کودک و روابط عاطفی حاکم بر خانواده این تأثیر را هر چه بیشتر می‌کند. نیک نژادی، گلستانی و احمدی (۱۳۸۶)، در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که والدین یکی از مهم‌ترین منابع شکل‌گیری خودپنداره و احساس ارزشمندی نسبت به خود در کودکان هستند و با این

شیوه کودک ادراکات، نگرش‌ها و واکنش‌های دیگران را جزئی از ارزش‌های درونی خود می‌کند. فرجاد (۱۳۷۲)، در مطالعه‌ای با عنوان "چگونگی برخورد خانواده و تأثیر آن در نوع رفتار کودک و نوجوان" به این نتیجه دست یافت که محبت و خشونت والدین بر رفتار کودک و نوجوان اثر خواهد گذاشت؛ پس نگرش‌ها و الگوهای رفتاری که کودکان در جریان رشد خود فرامی‌گیرند شبیه نگرش‌ها و الگوهای رفتاری‌ای است که در والدین آن‌ها دیده می‌شود. (صمدی، رضایی، ۱۳۹۰) بررسی قرآن و نهج‌البلاغه حاکی از آن است که در دین اسلام، خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی است که بر انسان تأثیر می‌گذارد و شاکله تربیتی وی را سامان می‌دهد و از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌های رحمت و مودت است که به دلیل مناسبات و روابط ویژه عاطفی، پایدارترین آثار روحی، اخلاقی و رفتاری را در ساختار تربیتی انسان بر جای می‌گذارد.

روش تحقیق

این پژوهش در زمره پژوهش‌های بنیادی است. به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای است. جامعه موردپژوهش ما کلیه روایات نقل‌شده به صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوع نقش والدین در تربیت عاطفی کودک پرداخته‌اند. کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌های مربوط به نقش والدین و تربیت در سیره امام رضا (ع) شناسایی و جمع‌آوری شده و مورد مطالعه قرار گرفته است و همچنین با استفاده از امکانات رایانه‌ای مطالب از کتابخانه‌های دیجیتالی و مقالات علمی در نشریات دیجیتالی و صفحات وب جمع‌آوری شده است و همچنین با استفاده از امکانات لوح فشرده برای جستجو مطالب، موضوعات مورد کاوش قرار گرفته است و با استفاده از روش‌های نوین فیش‌برداری متنی از روی سند، مطالب استخراج شده است. در این پژوهش نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با توجه به سیره امام رضا (ع) به وسیله روایات مربوطه به موضوع در تفاسیر و کتب حدیثی مورد بررسی قرار می‌دهیم. به‌طور خلاصه منابع مورد استفاده در این پژوهش به شرح زیر است:

- استفاده از تفاسیر و ترجمه‌های نوشته‌شده و گفته‌های اندیشمندان اسلامی که با موضوع پژوهش در ارتباط است.
- استفاده از منابع حدیثی و ترجمه‌های آن‌ها و نوشته‌ها و گفته‌های مفسرین که با موضوع پژوهش در ارتباط هستند.

- استفاده از کتب و مقالات و نوشته‌های مختلف در همین زمینه.

- استفاده از نرم‌افزار کتابخانه قائمیه که شامل کتاب‌های جامعی در این خصوص است.

- استفاده از کتابخانه‌های دیجیتال و نمایه نشریات کشور.

اطلاعات در روش کتابخانه‌ای به روش فیش‌برداری گردآوری می‌شوند. فیش‌ابزاری است که پژوهشگر بخشی از یک متن مورد مطالعه را که در رابطه با موضوع پژوهش خود می‌یابد، روی آن ثبت می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۷۷).

از طریق کامپیوتر متن مورد نظر را، جستجو کرده و نشانه‌گذاری می‌کند و در صورت نیاز، مطالب مورد نظر خود را هم اضافه کرده. متن مورد نظر ممکن است: ۱- عین مطلب به طور نقل قول مستقیم باشد. ۲- برداشت پژوهشگر از موضوع باشد. ۳- به صورت نقل قول غیرمستقیم باشد. ۴- ترجمه از متن به زبان دیگری باشد.

پس از جمع‌آوری مطالب و نشانه‌گذاری آن‌ها و اضافه کردن مطالب، اطلاعات را دسته‌بندی کرده و هرکدام از اطلاعات را با توجه به شرایط و اقتضای محتوایی در دسته‌بندی مشخص جای می‌دهیم؛ تا اینکه پژوهش مورد نظر به اثبات فرضیه و پاسخ سؤال اصلی خود برسد. از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، نشانه‌یابی، تجرید، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه که جملگی به کمک تفکر و تعقل و منطق صورت می‌پذیرد، داده‌های گردآوری شده را ارزیابی و تجزیه تحلیل کرده و نتیجه‌گیری کند (حافظ نیا، ۱۳۷۷).

از آنجایی که این پژوهش فاقد جنبه‌های آماری بوده و متکی به اسناد و مدارک و شهود و ادراک و تحلیل عقلانی است لذا باید از روش‌های مناسب کیفی استفاده کرد. به این صورت که پژوهشگر با استفاده از عقل و منطق و غور و اندیشه باید اسناد و مدارک را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده، حقیقت و واقعیت را کشف و درباره فرضیه‌ها اظهار نظر نماید.

یافته‌ها

ضرورت تشکیل خانواده

در ضرورت تشکیل خانواده این حدیث نورانی امام رضا (ع) را که از امام باقر نقل کرده‌اند یادآور می‌شویم: زنی از امام باقر (ع) پرسید: خدا کارت را سامان بخشد من خانمی مبتله هستم. امام فرمود: منظورتان از بتل چیست؟ او جواب داد به این معنی که هرگز ازدواج نخواهم کرد امام پرسید: چرا؟ او گفت می‌خواهم با این کار فضیلت و منزلتی کسب کنم امام فرمود: از این تصمیم بازگرد اگر بی‌همسری فضیلت بود فاطمه به آن شایسته‌تر از تو بود (مردانی نوکنده، صابر، ۱۳۹۱). این حدیث ضرورت تشکیل خانواده با توجه به سیره رضوی را برای ما یادآور می‌شود که در بدو آن فرزند آوری و تربیت او مدنظر قرار می‌گیرد که در شکل‌گیری و تکون شخصیت و ویژگی‌های عاطفی، اخلاقی و رفتاری فرزندان، دو عامل وارث و محیط دخالت دارند. در میان عوامل محیطی اثرگذارترین عامل، خانواده است و در میان عوامل خانوادگی محوری تربیت عامل والدین‌اند (پناهی، شریفی، ۱۳۸۸).

ضرورت تربیت عاطفی فرزندان

عواطف در رشد و شخصیت کودکان اهمیت زیادی دارد چه آنکه کودکان و والدین به کمک عواطف با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و هرگونه اختلال در عواطف انسان موجبات چالش‌های عمیق در رشد شخصیتی آن‌ها ایجاد می‌کند. همچنان که تربیت جسمانی و فکر اهمیت دارد عواطف انسان نیز به پرورش و تربیت نیازمند است (چهری، صفایی مقدم، ۱۳۹۲). عاطفه در کنار عقل در آیات قرآن و سیره اهل‌بیت در شکل‌دهی به شخصیت انسان از اهمیت بالایی برخوردار است؛ بنابراین آیات متعددی در باب محبت، مودت، ترحم، لطف، عفو و بخشش، خشوع و... وجود دارد که تماماً از تجلیات عاطفه برشمرده می‌شود که هر یک به بخشی از معرفت و معنویت ناظر است که در افزایش و کسب معارف الهی نسبت به انسان نقش اساسی دارد. انسان موجودی است چندبعدی که همه ابعاد آن باهم در تعامل هستند و عواطف به‌عنوان یکی از ابعاد مهم آدمی می‌باشد و نقش مهمی را در زندگی ایفا می‌کند. در صورت شدت تحرکات عاطفی به‌ویژه در سنین کودکی توانایی سازگاری با اجتماع را نخواهد داشت و ممکن است و ممکن است دچار

اندوه و رنج گردد و احساس بی‌لیاقتی نماید؛ و بالعکس عواطف مطلوب و خوشایند حس کنجکاو کودک را برمی‌انگیزد و باعث شادی و لذت متعادل در تکامل شخصیت کودک خواهد شد و در نتیجه کودک در سازگاری با جامعه خویش موفق می‌گردد. با توجه به اینکه در جهان کنونی، زندگی اخلاقی و عاطفی بشر در اثر تزلزل نظام‌های ارزشی و انحلال مبانی فطری مورد تهدید قرار گرفته و جامعه بشری با بحران‌ها و ستم‌های گوناگون اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه شده‌است (فقیهی، نجفی، ۱۳۹۲). عواطف عاملی در مسیر برانگیختن استعدادهای گوناگون انسان به ویژه دوران کودکی می‌شود که بی‌توجهی به آن موجبات انحراف اطفال را به دنبال خواهد داشت. در باب ضرورت و اهمیت تربیت عاطفی باید گفت از آنجا که عاطفه و احساس در زندگی بشر قبل از عقل ظاهر می‌شود و به نخستین روزهای زندگی وی بازمی‌گردد، توجه به آن از اهمیت بالایی برخوردار است و باید تحت کنترل و پرورش قرار گیرد. عواطف، عاملی تأثیرگذار در بقای زندگی انسان و عامل بسیاری از رفتارها و اندیشه‌ها و تصمیمات است و تربیت عاطفی نقطه عطف سایر ابعاد وجودی انسان از جمله بعد عقلانی، اجتماعی و معنوی است و سلامت روانی انسان به سلامت عاطفی او بستگی دارد (شعاری نژاد، ۱۳۹۲). امام رضا بهترین مردم را کسانی می‌داند که دارای حسن خلق بوده و با مردمان گذشت و مودت نماید و ایشان پدر و مادر را عامل شکل‌گیری این عواطف در کودکان به شمار می‌آورند تا جایی که یکی از ملاک‌های ازدواج برای مردان را حسن خلق زن دانسته چه آنکه شیر مادر در تربیت طفل مؤثر است (رضوی دوست و همکاران، ۱۳۹۴).

جایگاه والدین در تربیت عاطفی کودک

در شکل‌گیری و رشد شخصیت و ویژگی‌های عاطفی، اخلاقی و رفتاری فرزندان والدین محوری‌ترین نقش را دارند (پناهی، شریفی، ۱۳۸۸). والدین سهم عظیمی از زندگی فرزندان را تشکیل می‌دهند و کودکان ناگزیر از پدر و مادر خود تقلید می‌کنند به طوری که حضرت نقش والدین را در ایجاد سجایای اخلاقی در فرزندان بسیار مهم می‌داند و می‌فرماید: سجایای اخلاقی دلیل پاکی وراثت و فضیلت ریشه خانوادگی است. کسی که ریشه خانوادگی‌اش شریف است در هر حال دارای فضیلت و صفات پسندیده است و نیز فرمودند ملکات پسندیده دلیل وراثت‌های پسندیده انسان است (حیدری، پورشایگان، ۱۳۹۳). امام رضا (ع) برای والدین در تربیت اطفال جایگاه عظیمی در نظر

گرفته و پدر را فصل الخطاب دانسته و مادر را لازم‌ترین حقوق هر فرد بیان نموده‌اند (رضوی دوست، موسوی، شایان فر و حسومی، ۱۳۹۴) و به همین رو نقش آن‌ها را در تربیت و شکل‌گیری شخصیت کودکان غیرقابل‌انکار بیان می‌کنند. والدین در تربیت کودکان خود نقش مثبت یا منفی ایفا کرده و این امر به نوع ارتباط آن‌ها با کودکان خود بستگی دارد. این ارتباط می‌تواند به صورت کلامی یا غیرکلامی که در این میان روابط عاطفی نقش مهمی در تربیت کودک ایفا می‌کنند. کودکان ارزش‌ها را از طریق روابطشان با والدین خود می‌آموزند و پی‌ریزی تربیت مبتنی بر رهنمودهای اسلام که بر پایه فطرت و حرکت به سوی فضیلت و کمال است، در محیط خانواده امکان‌پذیر می‌باشد زیرا پدر و مادر مناسب‌ترین افراد برای پرورش نسل جدید می‌باشند (شریف قریشی، ۱۳۸۲). بدون تردید در جامعه‌ای که خانواده‌های آن از انسجام و همبستگی بهتری برخوردار باشند آسیب‌های اجتماعی کمتری به چشم می‌خورد. روابط عاطفی میان والدین در خانواده که مهم‌ترین نهاد تربیتی جامعه و نخستین آموزشگاه فرد شمرده می‌شود، اثرگذارترین عامل حرکت مطلوب فرزندان برای انتخاب سبک و شیوه زندگی است امام هشتم با توجه به آیه ۱۴_۱۲ سوره مؤمنون انسان دارای دو بعد جسمانی و نفسانی می‌داند که در بعد نفسانی او عواملی مهمی از جمله عقل، اراده و عواطف وجود دارد که مهد تربیت عواطف به شمار می‌رود و هم‌چنین درجایی دیگر می‌فرمایند اگر والدین صفات حمیده و نیکو داشته باشند زمینه را برای تربیت هر چه بهتر عواطف فرزندان خود در آینده فراهم می‌آورند (راحمی، ۱۳۸۹). چشمان ظریف و تیزبین کودک مانند دوربین حسّاس از تمام صحنه‌های زندگی خانواده و به‌خصوص حرکات و رفتار والدین و دیگر اعضای آن، فیلم‌برداری می‌کند. از لبخندها، زمزمه‌های والدین درس خوش‌بینی، امیدواری، اعتماد و محبت می‌آموزد و به‌عکس، از تندها، بدرفتاری‌ها و عصبانیت‌های آن‌ها درس تند و بداخلاقی می‌گیرد. معمولاً کودک سخن گفتن، آداب معاشرت، رعایت نظم یا بی‌نظمی، امانت‌داری یا خیانت، راست‌گویی یا دروغ‌گویی، خیرخواهی یا بدخواهی را در محیط خانه فرامی‌گیرد. براین اساس، نخستین کسانی که کودک از آن‌ها شکل می‌گیرد و بسیاری از روحيات و غرایز او در اثر تماس با آن‌ها به وجود می‌آید، والدین هستند. آن‌ها از آن‌جهت که بسیاری از ویژگی‌ها و صفات را از خود و اجدادشان به کودکان منتقل می‌کنند، عامل وراثت‌اند و از آن‌جهت که در تماس همیشگی با فرزند خویش هستند و اعمال و رفتار او را زیر نظر

دارند و او نیز آن‌ها را الگوی خویش قرار می‌دهد، یک عامل محیطی برای تربیت به حساب می‌آیند. پس پدر و مادر اولین بذر رشد فردی و شخصیت عاطفی آدمی را می‌کارند؛ زیرا کودک در بیشتر حالات خود، مقلد پدر و مادر خواهد بود. مهم‌ترین و سنگین‌ترین رسالت تربیت به عهده پدر و مادر است که با بهره‌گیری از ابزار مختلف، در این میدان وسیع، قدم برمی‌دارد و نیازهای روحی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی کودک را تأمین می‌کند. پدر و مادر، اگر خود دارای ثبات نظر، آرامش روحی و دوستی باشند و هرگونه کینه و خشونت را از خود دور سازند، در ایجاد آرامش روحی فرزند و دل‌بستگی او به خانه و خانواده، کمک کرده‌اند. بسیاری از کودکان منحرف و کسانی که در بزرگسالی به جرم‌های سنگین رو می‌آورند، به خاطر نبود آرامش در خانواده و نادیده گرفتن تربیت عاطفی آن‌هاست. روابط خانوادگی نقش بزرگی در تحکیم اساس خانواده و تقویت همبستگی میان اعضای آن دارد. این روابط چنان است که بر رشد و تربیت فرزندان، رسانیدن آنان به مرحله کمال و استقلال تأثیر به‌سزایی دارد (امینی، ۱۳۶۸).

عوامل تربیت عاطفی

از آنجایی که ایجاد محیطی آرام و امن برای سلامت اعضای خانواده حائز اهمیت است و این نقش ایمنی توسط والدین ایجاد می‌شود و با توجه به نقش کلیدی والدین در انتقال ارزش‌های دینی و معنوی به فرزندان و اهمیت رشد شخصیت مطلوب عاطفی ایشان با محوریت فرهنگ ناب دینی، نسبت به یکدیگر و تأثیر آن بر رشد تربیت مطلوب فرزندان به از تعدادی از عوامل تربیت عاطفی فرزندان در نهاد خانواده اشاره می‌شود:

الف) همتایی در بینش‌ها و باورهای دینی

بنیادی‌ترین مسئله در نهاد خانواده که سبب آرامش و جلب عاطفی اعضای آن می‌شود اصل همتایی در بینش‌ها و باورهای دینی اعضای خانواده، به‌ویژه همسران است. در تعالیم اسلامی هنگام‌گزینش همسر بر اصل "کفو" به معنای همتایی و همانندی تأکید شده است، بدین معنا که زن و مرد در افکار و باورها و ویژگی‌های رشدی تقریباً هم‌تا باشند. همسویی والدین در باورهای مذهبی، افزون بر اینکه سبب گرمی خانواده، به‌خصوص تحکیم روابط عاطفی خودشان است، در تربیت مطلوب فرزندان نیز مؤثر است. روابط عاطفی مطلوب و دین‌پسند والدین به هم و فرزندان‌شان ناشی از خدا‌باوری در بینش‌ها، افکار و باورهای آنان

است، پس داشتن بینش واحد و هماهنگ در نوع برقراری روابط، با محوریت دینی و عملیاتی ساختن آن‌ها در زندگی، از مهم‌ترین عوامل تربیت عاطفی پرورش شخصیت فرزندان است (رضوی دوست و همکاران، ۱۳۹۴). صفوان بن یحیی از امام رضا (ع) نقل کرده است: که فرمود هیچ سودی برای مرد بهتر از همسر صالح و هم کفو نیست همچنان که زن باید صالح و هم کفو باشد مرد هم باید شایسته باشد بر والدین است که به کمک دخترانشان شوهرانی شایسته برای آنان انتخاب کنند (قربانی، ۱۳۸۹).

ب) از خود دانستن فرزند

از عوامل شکل‌گیری روابط عاطفی مطلوب والدین نسبت به فرزندان این است که والدین وجود فرزندان را از خود می‌دانند و علاقه طبیعی و خدادادی میان خودشان و آنان را احساس می‌کنند و خوبی و بدی آنان را، خوبی و بدی خودشان می‌دانند و به سرنوشت مطلوب و زندگی سعادت‌مندانه دنیای و اخروی آن‌ها علاقه‌مند هستند (فرهادیان، ۱۳۸۸). والدین با ایجاد ارتباط عاطفی و دوستانه مبتنی بر این حقیقت فطری انسان، ارتباط سیستمی متعالی در شبکه اعضای خانواده برقرار می‌کنند و محیط عاطفی مناسبی برای فرزندان فراهم می‌آورند تا توانمندی‌هایی که در فطرت آن‌ها نهاده شده است، به تدریج بروز و پرورش یابد و موجب برقراری ارتباط نیک با فرزندان، ارتباط نیک با فرزندان، احترام و تکریم آن‌ها، تقویت احساس ارزشمندی، رضایت، خشنودی و دیگر صفات مهم عاطفی تربیت در آنان گردد (فقیهی، نجفی، ۱۳۹۲) انسان به دلیل داشتن غریزه حب ذات به خود و همه دارایی‌هایش دلبستگی دارد. بر اساس حکمت خداوندی، همین نکته سبب می‌شود از خود در برابر مخاطرات و تهدیدها محافظت کند. پدران و مادران از آن جهت که فرزندان را پاره‌ای از وجود و ثمره زندگی خود می‌دانند به شدت به فرزندان احساس دلبستگی دارند؛ از همین رو سخت از او محافظت می‌کنند. والدین با ابراز محبت به فرزند، شخصیت عاطفی او را می‌پروراند و زمینه دلبستگی کودک را به خود فراهم می‌سازند، بدین تربیت، روابط کودک در جامعه بزرگ‌تر شکل می‌گیرد به گونه‌ای که کودک این رابطه با والدین را بعدها نیز ادامه خواهد داد تا رفتارش را با والدین محبوبش تطبیق دهد. پس دلبستگی والدین به فرزندان می‌تواند زمینه لازم برای تأثیر مثبت والدین بر فرزندان را فراهم سازد و آنان را به سوی تطبیق رفتارشان با والدین تشویق و ترغیب کند (سپاه منصور، ۱۳۸۷). در حقیقت، این نوع علاقه طبیعی میان والدین و فرزندان از عوامل مؤثر در سبک زندگی

مطلوب سفارش شده و در آموزه‌های اسلامی است که می‌تواند زمینه‌ساز پرورش فرهنگ و اخلاق دینی در خانواده شود. در نخستین روزهای زندگی که نوزاد به خاطر بیگانگی با محیط جدید ضعف و ناتوانی به مراقبت و توجه افزون‌تر نیازمند است رفتار امام را با فرزند تازه به دنیا آمده‌شان را بیان می‌کنیم، حکیمه خواهر امام رضا (ع) گفته است: وقتی زمان وضع حمل خیزران فرا رسید حضرت رضا مرا صدا زد و فرمود هنگام وضع حمل پیش او حاضر باش آنگاه چراغی در اتاق گذاشت هنگام وضع حمل خیزران چراغ خاموش شد در این وضعیت بودیم که جواد به دنیا آمد درحالی که بر پارچه نازکی بود نورش تمام اتاق را روشن کرد در آن هنگام امام رضا (ع) آمد جواد را در گهواره گذاشت و به من فرمود حکیمه مراقب گهواره باش (مجلسی، ۱۳۶۴).

ج) ابراز محبت و ایجاد مودت

محبت داروی شفابخش دردها، تسکین‌دهنده قلب‌ها و بهترین راه‌حل مشکلات و ناسازگاری‌های تربیت است. محبت به‌جا در هر مکان و زمان وسیله‌ای کارآمد و مؤثر است. همگان در موقعیتی به عاطفه و محبت نیاز دارند؛ اما کودکان بیش از دیگران تشنه محبت‌اند. رفتار نابجا و ناقصشان را محبت اصلاح می‌کند. امام رضا (ع) از این شیوه مؤثر تربیت به شکل‌های گوناگونی بهره می‌گرفت. گاهی اوج محبت خود را در قالب جمله زیبای "بایانت و امی" نشان می‌داد زمانی امام جواد را در آغوش می‌گرفت، به سینه‌اش می‌فشرد و می‌بوسید. اباصلت می‌گوید: هنگامی که جواد بر بستر شهادت پدر وارد شد، حضرت رضا از بستر برخاست به سوی او رفت دست بر گردنش انداخت او را به سینه فشرد میان دو چشم او را بوسید و با او سخن گفت (قربانی، ۱۳۸۹) محبت کلید حل مشکلات تربیت است. گاهی والدین در مقابل اصرار زیاد کودکان بر خواست‌های نامعقول یا غیرممکن، رفتاری نامناسب ابراز می‌کنند، ولی حتی در چنین موقعیتی رفتار محبت‌آمیز مناسب‌تر و مؤثرتر است (مردانی نوکنده، صابر، ۱۳۹۱). امیه‌بن‌علی نقل می‌کند: در سالی که امام رضا (ع) حج بجا آورد و سپس به خراسان رفت من همراه او بودم و امام جواد (ع) نیز همراه ایشان بود. امام با خانه کعبه وداع کرد وقتی طوافش تمام شد به طرف مقام ابراهیم رفت و در آنجا نماز گزارد جواد که خردسال بود بر دوش غلامش طواف داده شد و به طرف حجر اسماعیل رفت و آنجا نشست و این امر مدتی طول کشید غلام به او گفت جانم به فدایت برخیز او فرمود بر نمی‌خیزم تا وقتی که خدا بخواهد و در چهره‌اش غم

نمایان شد. غلام خدمت امام رفت و گفت جانم به فدایت باد جواد (ع) در حجر نشسته و بلند نمی‌شود امام به طرف جواد (ع) رفت و فرمود برخیز ای حبیب من، جواد فرمود (ع) چگونه برخیزم درحالی که شما با کعبه چنان وداع می‌کنید که گویا هرگز به سویش باز نمی‌گردید امام برای بار سوم فرمود: برخیز ای حبیب من، جواد (ع) برخاست. از این حدیث امام درمی‌یابیم که امام رضا (ع) در مقابل اصرار فرزندشان هرگز به او تندی نکرد بلکه با جملات محبت‌آمیزی چون یا حبیبی و با صبر و حوصله فرزندش را قانع کرد. (مردانی نوکنده، صابر، ۱۳۹۲)

میل به محبت دیدن و محبت‌ورزی از تمایلات فطری انسان است که در هر دوره‌ای از زندگی، تحول و رشد به آن نیازمند است و باید از بدو تولد تا آخرین زمان وداع با این دنیا، متناسب با دوره‌ی رشد خویش، همواره این نیاز عالی و اساسی تأمین شود (احمدی، ۱۳۸۰). محبت، احساسات و تمایلات خانوادگی و اجتماعی انسان‌ها را نسبت به همدیگر در عرصه‌های گوناگون زندگی، عمیق و ریشه‌دار می‌سازد؛ زیرا محبت، مهربانی و عطوفت به زندگی خانوادگی و اجتماعی گرما می‌بخشد و صمیمیت، صداقت و برخورد نیک و شایسته را در پی دارد. محبت زن و شوهر به هم یکی از راهکارهای اساسی در شیرینی و شادکامی زندگی است که در تحکیم عواطف آنان با فرزندان نیز بسیار مؤثر است. محبت در مقام یکی از آموزه‌های اخلاقی اسلام مورد تأکید است (صنوبری، ۱۳۹۰). هر چه محبت و علاقه در روابط عاطفی والدین بیشتر برقرار باشد، فرزندان تربیت خواهند شد که محبت را در کانون اعمال و رفتار خویش قرار خواهند داد (حیدری، ۱۳۸۷). محبت و به‌ویژه ابراز آن در همه مراحل و همدلی با فرزندان، نقشی بسیار مهم در تربیت عاطفی آنان دارد. والدینی که با فرزندشان محبت شدید و همدلی دارند؛ می‌توانند احساس سرخوردگی احتمالی فرزند را از نتایج توصیه‌های خود و چگونگی ارتباط خود با فرزندان کشف کنند و برای یافتن راه حلی که برای هر دو پذیرفتنی باشد، کوشش کنند.

د) همدلی و نظارت والدین

زندگی صحنه درس و تجربه است. آنان که بیشتر عمر خود را در کسب تجارب صرف کرده‌اند، در رویارویی با دشواری‌ها از توان فزون‌تر برخوردارند. کودکان بهره‌کمتراز تجربه دارند و بدین سبب به نظارت و همدلی و کمک والدین نیازمندترند. نظارت و همدلی مستمر و حساب شده بر وضعیت فرزند یک ضرورت امکان‌ناپذیر در امر تربیت

است، البته این نظارت و همدلی باید منطقی و بجا باشد نکته مهم این است که نظارت و همدلی به‌موقع والدین به‌ویژه پدر تنها به کانون خانواده اختصاص ندارد بلکه حتی وقتی پدر برای مدتی از کانون خانواده فاصله می‌گیرد باید همچنان از وضعیت فرزندانش آگاه باشد (فقیهی، نجفی، ۱۳۹۲). در این باره می‌توان به رفتار امام رضا (ع) اشاره کرده، زمانی که ایشان به خاطر ستم فرمانروایان ناگزیر مدتی را دور از خانه و خانواده به سر می‌برند به شیوه‌های گوناگون هم چون نامه پیام شفاهی از دور بر وضعیت فرزند خود نظارت می‌کرد و راهنمایی‌های لازم را به وی ارائه می‌داند. به‌بیان‌دیگر والدینی بر فرزند خود نظارت دارند و با احساسات فرزند خود همدلی می‌کنند، مایل و قادرند که به‌طور سازنده به‌سوی مطلوب حرکت کنند و زمینه ارتباط مطلوب و مؤثر با فرزندشان را فراهم نمایند. همدلی و نظارت والدین اثری مهم بر محافظت و مراقبت از فرزند دارد؛ زیرا هنگامی که والدین بر فرزند خود نظارت داشته باشند از وضعیت و شرایط فرزندشان آگاه باشند و او را درک کنند، به‌دقت و درجه مراقبت خود از فرزندشان در هنگام بروز مشکل و آسیب می‌افزایند که باعث مهر و الفت درزندگی فردی و اجتماعی فرزند می‌شود (احمدی، ۱۳۸۵).

ر) خوش‌رویی و نرم‌خویی

خوش‌رویی و نرم‌خویی محبوب‌ترین و ارزشمندترین عمل نزد خداوند پس از واجبات الهی است و از رحمت الهی برمی‌خیزد. خداوند در قلب زن و شوهر مهری قرار داده و بر آنان است که این نعمت باطنی و حالت قلبی را که موجب آرامش زندگی و صفا و پاکی است به‌وسیله جانبداری از هم، گذشت، خوش‌اخلاقی و نرم‌خویی حفظ کنند. از عواملی که به عاطفه و محبت خلل وارد می‌کند پیرهیزند زیرا تبدیل این عاطفه به کینه نوعی ناسپاسی به شمار می‌آید زن و شوهر در روابط عاطفی با یکدیگر باید این بیان گهربار امام رضا (ع) در نظر بگیرند که می‌فرمایند: اگر مؤمنی خشمگین شود عصبانیت، وی را از طریق حق بیرون نمی‌برد و اگر شادمانی یابد این خرسندی وی را دچار باطل نمی‌سازد و چون به اقتداری می‌رسد بیشتر از آنچه حق دارد نمی‌گیرد (قربانی، ۱۳۸۹). خوش‌رویی والدین با همدیگر و فرزندان از عوامل مهم در پرورش شخصیت عاطفی مطلوب اسلامی است که در ایجاد صفا، آرامش روانی، اعتماد به‌نفس و شکوفایی استعدادها و فرزندان تأثیری فراوان دارد (حسین زاده، ۱۳۸۸). ارتباط والدین با چهره گشاده رشته دوستی را با دوام‌تر کرده، از یک‌سو سبب کسب مهارت‌های اجتماعی و عاطفی و از سوی دیگر

سازگاری بهتر فرزندان با مسائل را به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین یکی از نتایج شکوفاسازی و پرورش توانمندی‌های فطری خوش‌رویی است. هر یک از والدین با اخلاق و رفتارهای خوب، ریشه‌های نگرشی و گرایشی حسن خلق در فرزندان را زمینه‌سازی می‌کنند.

س) تکریم و احترام متقابل

بی‌شک هر انسانی در هر مقطع سنی، با توجه به برداشتی که از ارزش و منزلت خویش دارد برای خود احترام قائل است. هر انسانی خود را دوست دارد و دوست دارد که مورد احترام دیگران واقع شود. کودک هر چند به رشد اجتماعی و عقلانی کافی نرسیده است اما برای خود احترام قائل است. بدین جهت رفتار احترام‌آمیز والدین و مربیان نقش مؤثری در تربیت و رشد او دارد. امام رضا (ع) برای امام جواد احترام زیادی قائل بودند و از این شیوه مؤثر در تربیت فرزند بسیار بهره می‌برد. محمد بن ابی‌عباد می‌گوید: حضرت رضا (ع) همواره از فرزند بزرگوارش محمد با کنیه نام می‌برد و می‌فرمود: ابوجعفر به من چنین نوشت و من به ابوجعفر چنین نوشتم با آنکه امام جواد (ع) کودک‌کی بیش نبود حضرت رضا (ع) وی را بسیار احترام می‌کرد و نامه‌هایی که از فرزندشان می‌رسید را با بلاغت و نیکویی جواب می‌داد (مجلسی، ۱۳۶۴). از عوامل مؤثر در تربیت عاطفی، حاکمیت فرهنگ احترام متقابل در خانواده است. تکریم شخصیت، نیاز طبیعی هر انسان است؛ هر کس می‌کوشد شخصیتش پذیرفته و گرامی داشته شود (قائم‌امیری، ۱۳۸۳). با احترام و تکریم، بستری عاطفی فراهم می‌آید که عزت و کرامت در افراد نهادینه می‌شود و هنجارهای ارزشی، انسانی و معنوی در خانواده و جامعه جایگاه متناسب خود را بازیافته، گسترش می‌یابد. برای فرهنگ‌سازی تکریم و احترام در خانواده، نخست باید میان زن و شوهر احترام برقرار شود، بدین صورت که آنان نگرشی کرامتی به همدیگر داشته باشند و برای هم احترام فراوانی قائل شوند و دیگری را ارزشمندی بدانند؛ این ارزشمندی را بر زبان آورند و آن را به‌نوعی ابراز کنند؛ با توجه و دقت به سخنان هم گوش دهند، به‌گونه‌ای که از نگرش و حرف فراتر روند و به ارزش‌گذاری فعالانه و قدردانی عملی احترام‌آمیز تبدیل شوند (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۲). فرهنگ‌سازی تکریم و احترام متقابل در میان همسران، در پرورش این فرهنگ در میان اعضای دیگر خانواده تسری می‌یابد و شخصیت مطلوب عاطفی در فرزندان نیز پرورش می‌یابد.

ص) حسن رفتار در خانواده

خانواده کانونی است که هرچه باصفا و گرم‌تر باشد، زندگی شیرین‌تر و توفیقات انسان بیشتر خواهد شد. امام رضا (ع) در سخنی نورانی هم به حسن رفتار در خانواده توصیه کرده و هم از این نوع رفتار خود با همسرشان خبر داده‌اند می‌فرمایند: أحسن الناس یمانا أحسنهم خلقا و الطفهم باهله و أنا ألطفکم بأهلی؛ کسی که ایمانش برتر از دیگران است، اخلاقش نیکوتر و به خانواده‌اش مهربان‌تر است و من نسبت به خانواده خود مهربان‌ترم. (مردانی نوکنده، صابر، ۱۳۹۱). با تقویت نگرش مثبت میان والدین و عملیاتی کردن آن‌ها در ابراز و رفتارها، فرزندان تحت تأثیر قرار می‌گیرند و شخصیت عاطفی‌شان در زمینه مثبت‌نگری نیز پرورش می‌یابد؛ از این‌رو، فرزندان به والدین، مربیان، معلمان و دوستان صالح اعتماد می‌کنند و از رفتارهایی چون غیبت، تهمت، استهزا و هر نوع رفتارهای ضد اخلاقی که منشأ همه آن‌ها سو ظن است، مصون می‌مانند.

ع) هدیه دادن و تشویق

تشویق و هدیه دادن در تربیت کودک بسیار مؤثر است. اگر به‌جا و مناسب باشد در فرزندان انگیزه ایجاد می‌کند و آنان را برای انجام کارهای بزرگ‌تر آماده می‌سازد. در واقع تشویق زبان پیشرفت و موفقیت آن‌هاست. (نجفی، ۱۳۸۶). بدین‌جهت این شیوه نیز مورد توجه حضرت رضا (ع) بود. زکریا بن آدم می‌گوید: خدمت امام بودم حضرت جواد (ع) را نزد ما آوردند. او که کودکی چهارساله بود رو به آسمان کرد و به فکر فرو رفت. امام به او فرمود: جانم به فدایت، در چه زمینه‌ای اندیشه می‌کنی؟ فرمود در آنچه نسبت به مادرم فاطمه (س) انجام داده‌اند. به خدا قسم آن‌ها را از قبر بیرون می‌آورم، می‌سوزانم و خاکسترشان را به دریا می‌ریزم. امام در مقابل این کار نیکویش او را به خود نزدیک ساخت او را بوسید و فرمود پدر و مادرم به فدایت تو برای امامت شایستگی داری (حموی جوینی، ۱۳۷۹). هدیه و تشویق از کارهای پسندیده‌ای است که آثار مثبت و ارزنده‌ای در روابط عاطفی بر جای می‌گذارد. افراد اعم از والدین، همسر. فرزند به مناسبت‌های مختلف باید به این کار مهم توجه کنند. با اینکه نوع تشویق و هدایا برای افراد از نظر سنی، جنسی و میزان ارزش متفاوت است، ولی آنچه مهم است، نفس کار است که به پرورش بعد عاطفی افراد مدد می‌رساند و سبب جلب دوستی و علاقه‌مندی بیشتر میان آنان می‌شود. مسلماً،

چنین تعاملی باعث افزایش علاقه میان والدین و فرزندانشان می‌شود، زیرا افراد علاقه و محبت درونی‌شان را با هدیه دادن به همدیگر ابراز می‌کنند که در نوع خود با ارزش و درخور توجه است و در رشد شخصیت مطلوب عاطفی آنان مؤثر است. امام رضا (ع) همچنین هدیه را مایه خوشبختی و سعادت مردم دانسته به نقل از پیامبر (ص) می‌فرمایند: همواره اتم خوشبخت‌اند! تا هنگامی که با یکدیگر دوستی بورزند و به هم هدیه بدهند.

ه) ارائه الگو شایسته

از بهترین عوامل مؤثر در تربیت عاطفی، اخلاقی، روانی و اجتماعی فرزند الگودهی است. والدین نخستین الگوهای تربیتی فرزندان‌اند و مسئولیت‌های دشواری در این زمینه بر عهده‌دارند؛ مسئولیتی که باعث رشد و شکوفایی عواطف و فضایل اخلاقی خود و در پی آن فرزندانشان می‌شود. والدین با این مسئولیت باید نمونه افراد صالح و شایسته باشند و خوبی‌ها را برای فرزندان، در عمل به نمایش بگذارند تا امیال فطری آنان به رفتارهای شایسته و نیک از حالت بالقوه به فعلیت برسند؛ زیرا اگر پدر و مادر به این نکته توجه نکنند، نه تنها زندگی فردی خود را با ناپاکی می‌آلایند، زندگی توأم با ناشایستگی‌ها برای فرزندان خود ترسیم خواهند کرد. شرط اساسی در این اثرگذاری برخورداری والدین از شخصیت مطلوب و انجام رفتارهای ارزشی است؛ چراکه بدون آن نمی‌توانند این نقش را داشته باشند. در این باره هر چه والدین در این الگو کمال بیشتری داشته باشند، میزان تأثیر و قدرت نفوذ آنان در فرزندان بیشتر است. علاوه بر کمال، جامعیت الگوها نیز سهم‌افزای در این اثرگذاری دارد؛ یعنی اگر والدین هم در ابعاد مختلف صلاحیت داشته باشند و هم از هر نظر در حد اعلایی از ویژگی‌ها باشند، جاذبیت و تأثیر بیشتری خواهد داشت. هماهنگی میان افعال و گفتار والدین الگو نکته دیگری است که بسیار حائز اهمیت است در حالی که هماهنگ نبودن آن‌ها منجر به دوگانگی در رفتار متربی خواهد شد؛ بنابراین الگو صالح بودن والدین، از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین روش‌های یادگیری و اجتماعی شدن فرزندان در تربیت عاطفی و مطلوب دینی است. فرزندان به دلیل آمادگی ذهنی، سادگی و بی‌آلایشی روحی، پاکی سرشت و انگیزه‌گرایی شدید به انتخاب معیار در زندگی خود دارند و در نخستین گام پدر و مادر را سرمشق خویش قرار می‌دهند و در صورت شایسته نبودن الگو و فقدان روابط عاطفی میان والدین بر شخصیت فرزندان اثری نامطلوب می‌گذارد (فلاح رفیع، ۱۳۹۱).

بحث و نتیجه‌گیری

نهاد خانواده به صورت سیستم به هم پیوسته‌ای است که هر یک از اعضای آن متناسب با جایگاه و نقشی که دارند، بر همدیگر اثر می‌گذارند. ارتباط صحیح بین پدر و مادر و روابط سالم آنان با کودکان، اولین و مهم‌ترین زمینه رشد و پرورش کودکان است بهترین ملاک و معیاری که بر اساس آن تربیت و کیفیت پرورش کودکان را می‌توان مورد ارزیابی و دقت قرارداد، همان نقشی بوده که والدین برای تربیتی کودک خود ایفا کرده‌اند. والدین مهم‌ترین نقش را در خانواده دارند و می‌توانند در صورتی که عوامل مؤثر بر تربیت را به کار گیرند، در رشد، پرورش عاطفی و تحول شخصیتی فرزندان سهمی به سزا داشته باشند و در مقام یک مربی از بروز اختلافات شخصیتی در آنان پیشگیری کنند. یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر تربیت فرزندان، نقش‌هایی است که والدین برای تربیت عاطفی کودک خود باید ایفا کنند. عاطفه به مفهوم توجه، تمایل و گرایش یاورانه به دیگر است که همراه با رحمت و رأفت از خود به صورت‌های گوناگون به دیگری بروز می‌دهند. والدین با به جریان انداختن توانمندی‌های بالقوه عاطفی به شکل مثبت و کارآمدی بر روند تربیتی یکدیگر و فرزندان اثر می‌گذارند.

بر اساس آنچه ذکر شد، بارز نمودن و شکوفاسازی توانمندی‌های عاطفی در میان همسران، نه تنها ارتباط میان آن دو را در سطوح مختلف سامان می‌دهد، بلکه به ارتقا و سالم‌سازی روابط با دیگران، خدا و نیز جو خانوادگی سالم‌تر برای دوری از تنش و درگیری و پرورش فطرت و توانمندی‌های سرشتی فرزندان به سوی خوبی و خیر باشد. به بیان دیگر، پدر و مادر در جایگاه محوری‌ترین عنصر تعاملات خانوادگی، وقتی التزام اساسی به آموزه‌های اخلاقی، ارزشی، دینی و عاطفی در روابط همسری داشته باشند، می‌توانند الگوی مقبول و ارزنده‌ای برای انتقال مفاهیم و آموزه‌های نظام ارزشی جهانی، انسانی دین اسلام به فرزندان خویش باشند و شخصیت و هویت وجودی آنان را پایه‌ریزی کنند.

با توجه به نقش گسترده عوامل گوناگون در تربیت عاطفی فرزندان پیشنهاد می‌شود تا محققان، کارشناسان و مشاوران تربیتی نحوه توانمندسازی خانواده‌ها و ارائه اطلاعاتی پیرامون نقش آن‌ها و ایفای نقش والدین پژوهش کنند و سیاست‌های پژوهشی و جهت‌گیری‌های علمی، فکری و روان‌شناختی را متوجه نقش و چگونگی تشکیل روابط

مطلوب عاطفی خانواده کنند تا والدین برای تربیت عاطفی و پرورش نسلی فرهیخته و فرزندان کارآمد و مسئول آمادگی کافی پیدا کنند.

منابع

- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران؛ روشنگران و مطالعات زنان.*
- امینی، ابراهیم. (۱۳۶۸). *آیین تربیت. قم، انتشارات اسلامی، صص ۱۲ و ۱۳.*
- اسلامزاده، بابک، اسماعیلی، معصومه و کاظمیان، سمیه. (۱۳۹۶). *تحلیل کیفی نقش‌نوسازی جامعه همراه با رسانه‌های مجازی بر ساختار خانواده. فصلنامه علمی-پژوهشی فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۸(۳۱)، صص ۱۳۳ تا ۱۶۴.*
- احسانی، محمد. (۱۳۸۷). *زبان قرآن و تعلیم و تربیت. نشریه معرفت، ۱۳۰(۷۳).*
- احمدی، محمدرضا. (۱۳۸۵). *مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده. نشریه معرفت، شماره ۱۰۴، صفحات ۲۵ - ۱۸.*
- احمدی، محمدرضا. (۱۳۸۰). *نقش صله‌رحم در بهداشت روانی. نشریه معرفت، شماره ۴۸، صفحات ۳۷ - ۲۹.*
- بهشتی، احمد. (۱۳۹۰). *اسلام و حقوق کودک. قم: بوستان کتاب. ویرایش دوم.*
- باقری، خسرو. (۱۳۷۴). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات مدرسه.*
- پناهی، علی احمد، شریفی، احمد حسین (۱۳۸۸). *"بایست‌های اخلاقی همسران و نقش آن در تربیت فرزندان". معرفت اخلاقی، شماره ۱: صفحات ۱۱۹ - ۱۴۲.*
- چهری، طیب. صفایی مقدم، مسعود (۱۳۹۲). *"جایگاه تربیت عاطفی در تعلیم و تربیت اسلامی". چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی.*
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۷). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. انتشارات سمت.*
- حسین‌زاده، علی. (۱۳۸۸). *همسران سازگار، راه‌های سازگار. چاپ سوم، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).*
- حیدری، مجتبی. (۱۳۸۷). *دین‌داری و رضامندی خانوادگی. قم، موسسه آموزشی امام خمینی (ره).*
- حیدری، ناهید. پورشایگان، نوشین (۱۳۹۳). *"تکریم و احترام به کودک". دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.*

- حموی جوینی، ابراهیم. (۱۳۷۹). *مسند الامام الرضا (ع)*. (عزیزالله عطاردی، مترجم)، تهران: کتابخانه صدر.
- رضوی دوست، غلامرضا. موسوی، سید محمد حسین. شایان فر، جواد. حسومی، ولی الله (۱۳۹۴). "بایستگی های اخلاقی زیست خانوادگی از منظر امام رضا (ع). اخلاق زیستی، شماره ۱۵: صفحات ۴۱-۷۰.
- راحی، حسین علی (۱۳۸۹). "نقش والدین در تربیت فرزندان". پیوند، شماره ۳۷۶، صفحات ۷-۹.
- رستمی نسب، عباسعلی. (۱۳۸۸). *فلسفه تربیتی ائمه اطهار (ع)*، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر.
- سپاه منصور، مژگان و همکاران. (۱۳۸۷). "ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا، روانشناسی تحولی"، روانشناسان ایرانی، شماره ۱۵: صفحات ۲۴۵-۲۵۳.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۲). *روانشناسی رشد*. تهران: انتشارات اطلاعات. چاپ ۲۰، صفحات ۳۰۲.
- شریف قریشی، باقر (۱۳۸۲). *نظام تربیت اسلام*. تهران: فجر، چاپ اول.
- صنوبری، صادق. (۱۳۹۰). *بررسی نقش عاطفه در تعلیم و تربیت قرآنی*. سومین همایش به سوی راهبردهای قرآنی در تعلیم و تربیت، موسسه فرهنگی قرآنی و عترت صابر. صمدی، معصومه، رضایی، منیره. (۱۳۹۰). *بررسی نقش خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین*. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۱۲، صفحات ۹۵-۱۱۷.
- ضرابی، عبدالرضا. (۱۳۸۸). *مجموعه مقالات تربیتی*. تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی، قم: موسسه آموزشی امام خمینی (ره).
- فقیهی، علی نقی، نجفی، حسن (۱۳۹۲). *عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده برگرفته از احادیث*. مجله اسلام و پژوهش های تربیتی. سال ۵. شماره ۱۰: صفحات ۵ تا ۲۸.
- فرجاد، محمدحسین. (۱۳۷۲). *آسیب شناسی اجتماعی خانواده و طلاق*. تهران، بدر.
- فرهادیان، رضا. (۱۳۸۸). *تربیت برتر، آنچه والدین و معلمان باید بدانند*. چاپ هفتم، قم، بوستان کتاب.

فلاح رفیع، علی. (۱۳۹۱). روش‌شناسی الگو در انتقال ارزش‌ها. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره ۲، صفحات ۵۷-۳۳.

قربانی، مهدی. (۱۳۸۹). هزار و یک حدیث رضوی (جامع الاحادیث امام الرضا). مشهد: انتشارات قاف.

قائمی امیری، علی (۱۳۸۳). خانواده و مسائل همسران. تهران: امیری، چاپ سیزدهم.

عطاردی، عزیزالله. (۱۳۹۷ ق). آثار و اخبار امام رضا (ع). تهران: کتابخانه صدر.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۴). بحارالانوار. (موسی خسروی، مترجم). تهران: اسلامیه.

میرزایی، سمیرا، نجارپوریان، سمانه، نعیمی، ابراهیم، سماوی، سید عبدالوهاب. (۱۳۹۷). تدوین الگوی بهزیستی روان‌شناختی مبتنی بر رهیافت‌های نهج‌البلاغه. فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۹(۳۴)، صفحات ۲۶-۱.

مردانی نوکنده، محمدحسین، صابر، رضا. (۱۳۹۱). تکریم شخصیت در حکایت تربیتی قرآن. مجله پیوند. شماره ۴۴۳: صفحات ۲۷ تا ۳۱.

نجفی، محمد. (۱۳۸۶). الگوی نظری برنامه درسی در تربیت اسلامی با تأکید بر رویکرد تربیتی محبت اهل بیت (ع). رساله دکتری دانشگاه شیراز.

نیک نژادی، فرزانه و همکاران. (۱۳۸۶). تأثیر آموزش روش‌های تربیتی بر اساس دیدگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان. فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ش ۱۴، صفحات ۴۲-۲۳.

یوسفیان، نعمت‌الله. (۱۳۸۶). تربیت دینی. قم، زمزم هدایت.

Becker, H & Epstein J (1993) *Parent Involvement: A Survey Of Teacher Practic*. The Elementtar School Journal, 83, 85-102.

Brown, B & Francis, S (1993), *participation In scgool: perception Of Self & Family*. Adolescence, 28, 383-391.

Eisenberg, N & Losoya, S (1997), *Emotionl Responding: Regulation, Social Correlates & Socialization* (pp129-162) New York: Basic Book.